بسم الله الرحمن الرحیم

آزادی کلیست مقدس و پر برکت ، کلیست که انسان بخاطر حفظ ان از جان ومال خود در مقابل آن میگذرد تاآزاد زندگي نماید ۰

آری ! کشور باستاني ما افغانستان آزادی را مایه شرف، افتخار وعزتش دانسته ، میداند ۰ آنزمان که باحسن حریت و شجاعت ومردانگي مردم افغانستان ، اسلام این عقیده پاك و آسماني بایك جهان از امید و هدف که پیام آور زندگي با عزت و آبرو مند برای بشراست ، بالای توده های این کشور آزادگان زرافشاني نمود و مردم با دیانت پرورما بخاطر این هدیهٔ خداوندی حتی از همه زندگي خویش گذشته و درجهت حفظ آن کوشا بوده اند ۰

هر دور از زندگي مردم ما پر از درد و رنج بوده ولي هرگز خود را بخاطر زندگي دینوی تسلیم قدرت های اشغالگر نکرده بلکه علناً بمقابله برخواسته اند ۰

بلي ! زنان مسلمان افغان دوشا دوش مردان مسلمان این کشور بخاطر دفاع از عقیده و شرف خویش یکجا بمبارزه برخواسته اند ۰ زیرا وطن این حق را بالای ایشان دارد تا از آن دفاع نمایند ۰

آنزمان که ملت از خارج مورد تهدید و تهاجم قرار میگیرد برهمه ملت واجب است تا برای دفاع از شرف وعزت خود یك پارچه شده تا مسئولیت خود را در مقابل اسلام واین دره های زیبای که سالها دران زندگي نموده اداء نماید ۰

بلي ای هموطن ! در تاریخ کشور ما قصه های از رشادت وازخودگذری زنان مسلمان این کشور ثبت است ۰

در زمانه های احمد شاه ابدالي آنوقت که همه جوانان در میدان جنگ و جهاد بسر مي بردند . جوان تازه عروسي شده چنان دل بخانه و کاشانهٔ خود میدهد و بدون اطلاع مقامات لشکری راهي دیارش میگردد .
نیمهٔ شب درب منزل میکوبد ، زنش که شب ها بخاطر دوری از شوهر جوانش و دیگر برادرانش تا دمیدن صبح در مقابل خداوند (ج) برازونیاز مشغول است . متوجه صدای در میگردد .
چون عقب در میآید ، طبق معمول باید از جانب مقابل پرسیده شود و میگوید درین نیمهٔ شب کیستي ، شوهر جوان درجواب میگوید منم عروس عزیزم . درجوابش میگوید آیا با لشکر آمدی ؟ جوان درجوابش میگوید که دیگران در میدان جنگ و من خاص بدیدارت آمدم .
ولي عروس جوان همین قدر میگوید که در، درمقابل کسي بازخواهد شد که یا فاتحانه با همه جوانان شامل درجنگ برگردد و یا جنازهٔ تورا درمقابل درب خانه بگذارند . براین در فعلاً برویت مسدود است .
هجوم دوم انگلیس را بیاد میآوریم . در جنگ میوندکه ملالي چگونه در میان کشتگان جنگ قامت برافراشت وعلم جهاد راکه علمدار قبل آن شهید گردیده بود علم شریف را بلند و با سردادن چند بیت شعر معرکه را چنان گرم ساخت که پیروزی نصیب مسلمانان گردید . ولي افسوس که پیروزی را خود بچشم ندید زیرا در همان جنگ شهیدگردیده بود .
قیام مردم کابل در مقابل سپاه انگلیس ، در این روز چهارصد تن از زنان کابل درآن اشتراك داشتند که درهمان روز های گرم تموز وظیفه آب و نان مجاهدین را بدست داشتند و در بین صخره های سوزا و اطراف بالاحصار این وآن طرف درحرکت بودند که همان روز از زنان کابل بخاطر دفاع از مادر وطن شهید گردیدند .

در این روز ها قصهٔ ازعاشقان وعارفان را چنان نقل میکند .
عبد الله جوان نورس باز هرا دختر همسایه نامزاد میشود . در روز جنگ مشهور کاسه برج مراسم عروسي عبد الله برگزار میکرد د هنوز بر دست عبد الله حنا نگذاشته بودند که عروس جوان زهرا برای عبد الله میگوید حیف است همه جوانان در سنگر باشند و تو بر دست خود حنا بگذاری همین است که عبد الله شمشیر از نیام بر آورده راهي سنگر میگرد د ولي دیگر بر نمیگرد د . و آن عروس تا آخر عمر در خدمت ماد رعبد اللهباقي میماند .
آری ای مسلمان !

درست یك قرن بعد استعمار تازه بقدرت رسیده بعد از قتل وغارت و یرانگری های زیاد و بخاطر پخش مفکوره منحط الحاد و دهریت پای خود را از حد فرا ترگذاشته میخواهد بعد از اشغال افغانستان خود را در بحر هند باندازد . چونکه کلید فتح قاره افغانستان خواهد و بس .

آنزمان که عساکر و تانك های جنایت کار روسي درشهرهاودرههای زیبای ما جابجامیشد . در هر نقطهٔ ازکشور در مقابل خود مقاومت را احساس میکرد .اگر چه در آن وقت وسایل جهاد خیلي شکل ابتدائي داشت ولي چون مسئله عقیده وآزادی در میان بود کدام ترس و هراس را مسلمانان بخود راه نداده دست به قیام و مبارزه زده که میتوان قیام سوم حوت شهر کابل را که یك و نیم ماه بعد از اشغال کشور رخ داد نام برد .
آنوقت که نیرو های کفر طوری وانمود میکنند که تنها مردم عوام در مقابل ما از جهالت کار میگیرند باقي روشنفکران با ماست .این است که مراکز علمي نفرت و انزجار خود را در مقابل رژیم دست نشانده روس ابراز داشته تظاهرات خیاباني را براه انداخته و برای جهانیان معلوم میگرد د

که این ها حتی در بین روشنفکران و جوانان جامعه خود جا نداراند .

این است که باز در مقابل این نونهالان کشور که تنها با خودی کتاب و قلم دیگر هیچ چیزی نداشتند از زور سرنیزه کار گرفته و قلب های پاک این جوانان توحید را بگلوله بستند که درست در همان روزهای صدها تن از خواهران و برادران مسلمان ما را در مکاتب و پوهنتونها جانها شیرین شان را از دست داده و یا روانهٔ سلول های زندان گردیدند .

در این روزها خواهران ما ملا لي گونه قدم بر افراشتند و ملا لي گونه بخون غلطیدند . و خاطرهٔ صد سال قبل جنگ میوند را تجلیل کردند .

این شهیدی را که اکنون درباره اش سخن گفته میشود ازجملهٔ همان شهیدان این انقلاب است که هم مانند صدهاتن شهید دیگر درباره اش سخن رانده نشده است .

چون یادی از شهدای انقلاب ، مشعل این انقلاب را روشنتر نگهمیدارد بر خود واجب دانستیم که شمهٔ از زندگي این خواهر خود را ثبت اوراق این انقلاب نموده تا باشد نامي از آن بفراموشي سپرده نشود .

خواهر شهید ما مریم در سال ۱۳۳۹ هـ ، ش دریک فامیل متدین ودیندار در شهر کابل متولد گردید . سالهای ابتدائي زندگي خود را در آغوش بر مهر مادر پرورش یافت ، تعلیمات دیني را از اعضای فامیل و مسجد محل آموخت و با شروع سن هفت سالگي شامل مکتب ابتدائي گردید . دوره ابتدائي را با درجهٔ های عالي سپری و در جریان این دوره همیش یک شاگرد ذکي ، هوشیار ، کنجکاو و متجسس بود .

بعد از ختم دوره ابتدائي شامل لیسه عائشه دراني گردیده و دروس خود را در همان لیسه بپایان رسانید . ولي آنچه درخور توجه است دوره لیسه این خواهر شهید است زیرا این دوره ، دوره مبارزه

واستواریت در مقابل فساد وظلم اگرچه شرایط مکاتب درآنزمان چندان درست بنظرنمي خورد واز این بابت هرکس در تشویش بود ورنج میبرد ٠ ولي دربین اجتماع آنروز تعدادی زیادی بودندکه از شکل زندگي آن روزگار راضي نبوده همیشه درمبارزه بخاطر از بین بردن این حالت بودند ٠

این خواهرما دراین چنین شرایط زندگي وتحصیل میکرد ٠ آنچه که مطابق خواست آن شرایط بود خود را سهیم ندانسته علناً دست به مبارزه ومجادله زد تا شود وظیفهٔ خود را درمقابل عقیده وایمان خود انجام داده باشد ٠

دراین زمان بود که کودتای نافرجام هفت ثور بوقوع پیوست وچهرهٔ اصلي نوکران روس نمایان وابر سیاه وحشت کمونیزم برکشور مرد خیز افغانستان سایخ افگند ٠ مردم مسلمان افغانستان نظر بحکم دین اسلام بخاطر دفاع از آن خود را آماده ساخته ومستقیماً با نوکران روس بمقابله پرداختند ٠

روسها قبلاً توسط جاسوسان نابکارکي، جي، بي شرائط حمله را بر افغانستان آماده دیده بودند مستقیماً داخل افغانستان گردیدند دراین زمان تمام مردم مسلمان افغانستان از پیرو جوان، خورد و بزرگ زن ومرد مطابق رسم نیاکان مسلمان خود درمقابل دشمن مشترك دست به مبارزه وقیام زدند ٠ خواهرما مریم جز این مبارزان بحساب میآمد وی دربین هم قطاران وخواهران هم صنف خود مسئولیت خود را بخاطر دفاع از اسلام ووطن اداء میکرد ٠

درماه ثور سال ۱۳۵۹ که همه موسسات تعلیمي بخاطر تجاوز روس درکشور دست به مبارزه وتظاهرات خیاباني زده وعلناً نفرت خود را

ابراز داشته تا جهان بدانند که موضوع از چه قرار است . در تنظیم واداره لیسه عائشه درانی خواهر شهید ما مریم قرار داشت . وی که قبلاً با برادران مسلمان در ارتباط بود وآنچه از مقامات رهبری جهاد برایش میرسید . آنرا بدون کدام ترس در صحنهٔ عمل پیاده میکرد .

هر روز قیام وتظاهرات شکل شدید تر را بخود گرفته جوانان مسلمان با عقیده راسخ آنرا دنبال میکردند . بتاریخ دوازده ثور همین سال روس ها ونوکران آنها بخاطر خاموش کردن این تظاهرات که در حقیقت ریشه های دولت نوبنیاد کفر والحاد را خشک وبه لرزه درآورده بود ازقوای امنیتی وقوای مسلح حتیٰ زمانی ازقوای هوائی روس ها استفاده کرده جوانان پاک ومسلمان ما را که صرف بخاطر اسلام ووطن قیام کرده بودند در مقابل شان ازگلوله کارگرفت . وعده زیادی را راهی زندان های وحشت باری که در جهان بمانند آن دیده نمیشود ساختند . لیسه عائشهٔ درانی که در مرکز شهر یعنی پل باغ عمومی قرار دارد زیاد مورد توجه مقامات دولتی قرار داشت بروی این منظور همه توان ونیروی خود را بخاطر آرام نگهداشتن این لیسه بخرچ میدادند .

درجریان تظاهرات دختران مسلمان این لیسه در پل باغ عمومی که تظاهر کنندگان با قوای امنیتی برخورد کردند . زیرا این ها میخواستند که بعداً زیک راهپیمائی کوتاه خود را به پارک زرنگار رسانیده هدف وعلت این تظاهرات را برای جهانیان برسانند .

ولی این گرک صفتان قرن بیست از وحشت در مقابل کار گرفته تعدادی را دستگیر تعدادی را زخمی وتعدادی را اینطرف وآنطرف پراگنده ساخته تا این آواز حق را خاموش سازند

ولی این مشعلی که همانا آواز حق است وحقیقت هیچ

قدرتي استعماری وفرعوني آنرا خاموش کرده نمیتواند زیرا این وعدهٔ خداوند (ج) است.

اگر امروز این آواز خاموش شد روز دیگر باز این آواز زنده میشود .

بلي ! درجریان این همه تظاهرات خواهر مریم وتني چند از خواهران دیگر نقش بزرگ و تعیین کننده بازی میکردند . که در همان روز خواهران ما مریم ، آن صاحب منصب را که میخواست با ایشان نزدیک شود چادر خود را از سر خود برداشته بر سر آن افسر نظامي انداخت وخشم آن صاحب منصب زیاد گردید . ولي دیگر مجالي نداشت که از خود دفاع نماید . آنرا چهار دست وچهار پای در بین دریای کابل انداختند

علت چادر انداختن این بود که چون خواهران مسلمان ما خود را به عساکرونوکران دولتي نزدیک ساخته چادر های خود را از سرهای خود باز و بر سرعساکر و صاحب منصبان ونوکران دولتي انداخته که چادر برای زنان است وامروز شما بمثل یك زن اسیر هستید درچنگال روس ها وروسها دشمن ماست .

ولي در مقابل این ما هستیم که بخاطر دفاع از ناموس و وطن قلب های خود را سپر مرمي های روس ساخته تا ازعقیده و ایمان ومیراث بزرگان خود دفاع نمایم .

این روز ها و شب ها بدترین روز های چند سال این کودتا بشمار میرود در این روز ها صد ها تن از جوانان مسلمان ما اعم از دختران و پسران خون های شان را در روی جاده های سیاه شهرکابل زکتانه ارنگین ساختند . وصد ها تن دیگر روانه سلول های زنداني گردید که تا حال ازآنها کدام اطلاع در دست نیست . این خون ها بود که

از نشرات :
کمیته فرهنگی
تنظیم خواهران مسلمان
افغانستان

انقلاب اسلامي را آبیاری نمود .

خواهر ما مریم بعد از یک سلسله فعالیت های تنظیمي در اثر راپور های متواتر اعضای خاد در سال ۱۳۶۱ از طرف مقامات مسئول خاد پنج باز داشت میگردد . همراه با این چند تن دیگر را به اتهام وجرم ترور منشي زنان حوزه شور بازار ، مشارکت در قیام های ضد دولتي ارتباط با مجاهدین .

در جریان تحقیق سندی برای ایشان از بخش دیگری خاد داده شد که مریم نام در تظاهرات ثور ۱۳۵۹ نقش فعال وعمده داشته که چادر خود را بر سر سربازان انقلاب ثور انداخته است .

بلي ! این سگ صفتان که درحقیقت بدترین چهره های سیاه وکثیف تاریخ این ملت را دربر میگیرد بعد از یک سلسله شکنجه ها خواهر مریم را به اعدام محکوم که همراه با ان چند تن دیگر از برادران ما هم یکجا اعدام میشوند وبشهادت میرسند .

روح شان شاد وراه شان متداوم کامیاب باد .



جمعیت اسلامی افغانستان

تنظیم خواهران مسلمان

افغانستان

زندگینامه خواهر شهید (مریم)